Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۳۰۸۵
یکشنبه /۱۹ مهر/ ۱۴۰۵
۲۹ / ربیع الثانی / ۱۴۴۸
11 / October / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۳۴۲-۳۲۵۴۰۲۶۰ دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فراز و فرود

امروز با حافظ

ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود
تسبیح شیخ و خرقه رند شرابخوار
حافظ چو رقت روزه و گل نیز می‌رود
ناچار باده نوش که از دست رفت کار

فرهنگ

گر شب وصلت نماید مر
شب معراج را
نیک ماند روز هجرت روز
رستاخیز را

سنایی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۶	۰۶:۱۰	۱۱:۵۳	۱۷:۳۵	۱۷:۵۳

برگه

هر روز یک فرصت جدید است. هیچ وقت از شروع دوباره خسته نشوید...

مارک تواین

گزارش روز

پیوند مهارت و فناوری در البرز؛ از آموزش تا اشتغال تخصصی

نیر احمدی - اداره‌کل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان البرز و پارک علم و فناوری البرز جهاد دانشگاهی در راستای پیوند مهارت با فناوری و توسعه زیست‌بوم اشتغال تخصصی، همکاری‌های استراتژیک خود را وارد فاز عملیاتی جدیدی کردند. در بازدید رضا باجولوند، مدیرکل فنی‌وحرفه‌ای البرز، از پارک و شرکت‌های دانش‌بنیان، دو طرف بر توسعه آموزش‌های مهارتی، تربیت نیروی انسانی متخصص و تأمین نیازهای فناورانه بازار کار تأکید کردند.

رضا باجولوند با حضور در پارک علم و فناوری البرز و همراهی جمعی از مدیران، ضمن بازدید از بخش‌های مختلف پارک و شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور، بر توسعه همکاری‌های مشترک در حوزه آموزش‌های مهارتی، تربیت نیروی متخصص و تأمین نیازهای فناورانه بازار کار تأکید کردند.

البرز، رتبه چهارم کشور در شرکت‌های دانش‌بنیان

مهدی عباسی، رئیس پارک علم و فناوری البرز، با تشریح ظرفیت‌های زیست‌بوم فناوری و نوآوری استان گفت: ۵۵۶ شرکت دانش‌بنیان در البرز فعال است که حدود پنج درصد کل شرکت‌های دانش‌بنیان کشور را شامل می‌شود و استان را به رتبه چهارم کشور رسانده است.

وی افزود: یک پارک علم و فناوری استانی، دو پارک ملی و ۲۰ مرکز رشد و نوآوری در البرز فعال‌اند و ۱۵۱ شرکت در مجموعه پارک علم و فناوری البرز مستقر و فعال هستند. به گفته عباسی، صندوق پژوهش و فناوری استان به خوبی فعالیت می‌کند و هیچ شرکت دانش‌بنیان و فناوری نیست که از مزایای آن استفاده نکرده باشد. ارائه خدمات مالکیت فکری و طرح‌های مهارتی در حوزه‌های دانش‌بنیان، صنایع خلاق و کسب‌وکار نیز از دیگر ظرفیت‌های پارک است.

حرکت از اجاره‌داری به مشارکت و توسعه کارآشتراکی

مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای البرز با اشاره به هدف این همکاری گفت: هدف، نزدیک‌تر کردن ظرفیت‌های دو مجموعه و ایجاد فصل جدیدی در همکاری‌های مشترک، به‌ویژه توسعه کارآشتراکی است.

باجولوند اظهار کرد: ظرفیت‌های خوبی در پارک وجود دارد، اما باید پاسخ داد چگونه می‌توان از آن‌ها در آموزش و مهارت‌آموزی و توسعه رشته‌های نوین استفاده کرد و چرا تاکنون همکاری بیشتری شکل نگرفته است. وی یکی از موضوعات مهم را تغییر رویکرد از اجاره فضا به سمت مشارکت دانست و افزود: در مدل اجاره‌ای، ارتباط و نقش مجموعه میزبان کاهش می‌یابد؛ بنابراین باید به سمت مدل‌های مشارکتی حرکت کنیم

راه‌اندازی مراکز آموزشی تخصصی در دل پارک

باجولوند تصریح کرد: برنامه ما فراتر از یک همکاری ساده است؛ به دنبال ایجاد فضاهای اشتراکی و حتی راه‌اندازی مراکز آموزشی مانند فیلیپ یا آزمایشگاه‌های تخصصی در دل پارک هستیم تا آموزش‌ها مستقیماً در محیط واقعی صنعت و فناوری انجام شود.

وی حوزه‌های این همکاری را متنوع عنوان کرد و گفت: گیاهان دارویی، دامپروری، صنایع غذایی، ماشین‌های الکتریکی و ساخت و تولید حضور مربیان به‌عنوان گروه‌های خبره در محیط‌های فناورانه، بازدید کارآموزان از زیرساخت‌های پیشرفته پارک و تعریف پیوست برنامه‌های مهارت‌آموزی در پروژه‌های پارک از برنامه‌های عملیاتی است.

تأکید بر تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز شرکت‌های فناور

باجولوند با اشاره به تجربه گذشته تربیت مربی گفت: در مقاطعی این برنامه‌ها اجرا شده، اما تغییر مدیریت موجب توقف بخشی از آن‌ها شد. وی بر استمرار مدیریت و ثبات تیم‌های اجرایی برای به نتیجه رسیدن برنامه‌های مشترک تأکید کرد.

مدیرکل فنی‌وحرفه‌ای البرز ادامه داد: توسعه مهارت‌های تخصصی باید متناسب با نیاز واقعی شرکت‌ها و بازار کار باشد و شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور می‌توانند در شناسایی نیازهای مهارتی و تربیت نیروی انسانی نقش مهمی داشته باشند. همکاری در زمینه‌هایی مانند برگزاری دوره‌های تخصصی، تربیت نیروی ماهر، تربیت مربی، انتقال دانش و مهارت‌های فناورانه و تأمین نیروی انسانی شرکت‌ها قابل توسعه است.

استمرار همکاری پارک و فنی‌وحرفه‌ای

در پایان این بازدید، بر تقویت تعامل میان پارک علم و فناوری البرز و اداره‌کل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان و استفاده از ظرفیت‌های متقابل برای توسعه آموزش‌های تخصصی، تربیت نیروی ماهر و حمایت از اشتغال تأکید شد.

همچنین مقرر شد زمینه‌های همکاری در حوزه تربیت مربی، برگزاری دوره‌های تخصصی، استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان در آموزش‌های مهارتی و تأمین نیروی انسانی شرکت‌های فناور با جدیت بیشتری دنبال شود. درنهایت تأکید شد با استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور پارک و زیرساخت‌های آموزشی و مهارتی فنی‌وحرفه‌ای، زمینه اجرای برنامه‌های مشترک با هدف ارتقای مهارت جوانان و دانش‌آموختگان، توسعه نوآوری و کمک به اشتغال تخصصی در استان البرز فراهم شود.

اشاره

به مناسبت روز کودک؛

دنیا به میناب، ۱۶۸ آینده روشن بدهکار است

کاش یکی پیدا شود و طیاره‌ای بسازد تا جای بمبه از آسمان برای بچه‌ها اسباب‌بازی بریزد و برای آدم‌بزرگ‌های غمگین کمی تسلی

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، حالا باید قبول کنیم که جنگ، کلیدواژه ناخوشایند اما پررنگ سبک زندگی این روزهای ایرانی‌هاست؛ کلیدواژه‌ای که هر وقت نگاهش می‌کنی، می‌بینی طی تاریخ، زخم‌های ناسوری به دل این خاک نشانده‌اند؛ از اشغال خرمشهر و موشک‌باران پایتخت گرفته تا بمباران سردشت و عملیات‌های تروریستی در گوشه‌وکنار کشور.

میناب دقیقا یکی از همین زخم‌های ناسور است؛ از آن زخم‌هایی که همه می‌دانیم هیچ‌وقت جای آن خوب نمی‌شود. شاید برای همین است که این روزها، وقتی صفحه‌به‌صفحه تقویم را ورق می‌زنم، پای روز کودک که می‌رسم، به این جمله معروف این روزها فکر می‌کنم که: «ای کاش کودکان نمی‌مردند، کاش موقتاً به آسمان برده می‌شدند تا جنگ تمام شود، سپس با خیال راحت به خانه برمی‌گشتند و وقتی والدین با حیرت از آنها می‌پرسیدند کجا بودید؟ با خوشحالی می‌گفتند: داشتیم با ستاره‌ها بازی می‌کردیم»

یا به قول مک‌مانمون، خبرنگار رمان «سووشون»: کاش یکی پیدا شود و طیاره‌ای بسازد تا جای بمبه، از آسمان برای بچه‌ها اسباب‌بازی بریزد و برای آدم‌بزرگ‌های غمگین کمی تسلی!

اما جنگ دزد است؛ دزد روزهای خوش، دزد امید از چشم‌های پدر و مادرها و دزد لبخند از روی صورت بچه‌ها! شاید توی آمار، شهدای دبستان شجره طیبه با عدد ۱۶۸ شناخته شده باشند، اما کاش کسی پیدا می‌شد که به ما آدم‌ها شمردن یاد می‌داد. ما زخم‌ها و بغض‌هایمان را با همان اعدادی اندازه گرفتیم که با آنها تعداد پرتقال‌های پرتقال‌فروش و مسئله‌های ریاضی را شمرده بودیم. کسی به ما یاد نداد که منطق احمقانه پشت اعداد، برای شمارش اسکندس و سیب‌زمینی و پیاز است، نه جان آدم‌ها!

جان آدم‌ها را باید با واحد «دنیا» شمرد. باید به این فکر کرد که به ازای هر جانی که از دست می‌رود، «دنیا» برای چند نفر تمام می‌شود؟

حالا جای صدای چند خنده در خانه‌های مینابی خالی است؟ حالا چند مادر دیگر دلبندی ندارند که شب‌ها او را در آغوش بگیرند و به هر قصه‌ای مدعیان یک آیه‌الکرسی سنجاق کنند؟ حالا چند پدر جگرگوشه‌ای ندارند تا زیر لب قربان قد و بالایش بروند و عصای پیری‌شان را تصور کنند؟

جنگی که حالا در جنوبی‌ترین نقطه ایران، به ۱۶۸ خانواده، ۱۶۸ آینده روشن بدهکار است؛ از کنتوشلوارهای دامادی و پیراهن‌های سفید عروسی که هرگز پوشیده نخواهند شد تا آرزوهای کودکانه‌ای که جای خاطره شدن، برای ابد رنگ حسرت گرفتند. اما داغ‌های همیشه تازه، یک چیز بزرگ دارند؛ آن هم انگیزه برای ایستادن در برابر آنهایی که خواستند چراغ امید را تا ابد، نه در میناب که در جای جای این سرزمین خاموش کنند. غافل از اینکه حالا نه فقط ۱۶۸ خانواده داغدار مینابی، که امروز همه ایرانی‌ها، نام بچه‌های مینابی را بلندتر از هر زمان صدا زدند، به حافظه سپردند و یادشان را در سینه نگه‌داشتند... انقدر که هرکدامشان را نه دفن بلکه مثل بذر امید توی خاک کاشتند تا در آینده‌ای نه‌چندان دور، امیدشان از دل همان خاک و در کالبد بچه‌های آینده جوانه بزند؛ چیزی شبیه شعرهای قیصر که هم می‌گفت: «به امید پیروزی واقعی، نه در جنگ که بر جنگ» و هم می‌نوشت: «من به چشم‌های بی‌قرار تو قول می‌دهم ریشه‌های ما به آب، شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد ما دوباره سبز می‌شویم!»

برش

ایران چطور می‌تواند با کمترین آسیب کشور را نجات دهد؟

ایران در برابر آمریکا بر سر یک دو راهی سرنوشت ساز قرار گرفته است؛ یا «توافق ـ تسلیم» یا «مقاومت ـ جنگ».

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، سابقه این موضوع هم به حدود نیم قرن پیش باز می گردد؛ زمانی که ایرانی ها علیه نظام سیاسی مستقر مورد حمایت آمریکایی ها انقلاب کردند و از ادامه تبعیت از ایالات متحده سر پیچیدند. از همان زمان نیز ایالات متحده فشارهای خود بر ایران را آغاز کرد. ابتدا آمریکا تلاش کرد ایران را به انزوای سیاسی بکشاند؛ سپس به اعمال تحریم های اقتصادی متوسل شد و آنگاه از حمله رژیم یعنی عراق به ایران حمایت کرد و در جریان نبرد دریایی در خلیج فارس، هواپیمای مسافربری ایران را سرنگون و به چند سکوی نفتی ایران نیز حمله کرد.

در ادامه، تحریم های ثانویه را به اجرا گذاشت تا انزوای اقتصادی ایران در نظام مالی جهانی را رقم بزند. سپس ماجرای برجام و خروج آمریکا از آن و اجرای سیاست فشار حداکثری از راه رسید و در ادامه، سردار سلیمانی در بغداد ترور شد.

این فشارها تا جایی ادامه یافت که طی یک سال گذشته، ایران با دو جنگ پرشدت ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و یک جنگ کم شدت نبرد هرمز مواجه گشت. اکنون در آستانه تشدید برنامه ریزی های آمریکا با هدف توسل احتمالی به سومین جنگ پرشدت علیه ایران، کشور بیش از هر زمان دیگری طی نیم قرن گذشته، بر سر دو راهی: یا «توافق ـ تسلیم» یا «مقاومت ـ جنگ» قرار گرفته است.

به عبارت دیگر، رویکرد بسیار تهاجمی دولت کنونی ایالات متحده چاره دیگری پیش روی ایران نگذاشته است که یا راه «توافق ـ تسلیم» را در پیش گیرد یا راه «مقاومت ـ جنگ».

از نظر رییس جمهوری کنونی آمریکا که اتفاقا با صراحت نظرش را در قبال ایران مطرح کرده است، هرگونه توافق ایران با ایالات متحده، دست کمی از تسلیم ندارد. خود ترامپ به صراحت گفته که ایرانی ها باید تسلیم بی قیدوشرط شوند و رخدادهای ونزوئلا، کنار گذاشتن مادورو و دستیابی آمریکا به ثروت عظیم نفتی ونزوئلا باید در ایران نیز تکرار شود.

البته آمریکایی ها در نهم اسفند ۱۴۰۴ تلاش کردند الگوی ونزوئلا را در ایران با ترور رهبر معظم انقلاب و جمعی از مقامات ارشد و فرماندهان نظامی رقم بزنند، اما برخلاف ونزوئلا، در ایران مقاومت جانانه در برابر تلاش آمریکا برای تسلط بر میهن شکل گرفت و ۴۰ روز جنگ بسیار شدید میان طرفین به وقوع پیوست. این ناکامی البته متاسفانه سبب نشده است که دولت ترامپ، گزینه جنگ را از ایران کنار بگذارد.

در حال حاضر اغلب برآوردهای نظامی و اطلاعاتی حکایت از آن دارد که ایالات متحده در تدارک حمله دیگری به ایران است که احتمالا از دو جنگ قبلی، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، شدیدتر خواهد بود. ترامپ در آخرین روز جنگ ۴۰ روزه تهدید کرد تمدن ایران را نابود خواهد کرد.

این تهدید به نابودی کامل ایران، البته عملیاتی نشد و اگر هم روزی رخ دهد، به نابودی تمدنی که در برابر حمله مقدونیه، اعراب، مغول ها، تیموری ها و استعمارگران اروپایی ایستادگی کرد، نخواهد انجامید. با این حال، دور از انتظار نخواهد بود که در دور بعدی جنگ تحمیلی آمریکا به همراه اسرائیل علیه ایران، زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی کشور به شدت آسیب ببیند و لطمات سنگینی به ایران وارد شود. تلاش برای ترسیم جنگ آخرالزمانی ائتلاف آمریکایی ـ اسرائیلی علیه ایران اکنون با این هدف صورت می گیرد که ایرانی ها را به انتخاب گزینه دیگر، یعنی توافق/تسلیم وادار نماید.

با این حال، گزینه بعدی می تواند به اندازه گزینه قبلی یعنی گزینه مقاومت/جنگ برای ایران پر هزینه باشد و چه بسا از آن هم مخاطره آمیزتر، زیرا همان گونه که برای تبعات جنگ، پایانی قابل تصور نیست و می تواند فراتر از هر انتظاری باشد، در مسیر توافق/تسلیم نیز پایانی دیده نمی شود. به عبارت دیگر مشخص نیست نقطه پایانی انتخاب توافق/تسلیم از سوی ایران چه خواهد بود؛ برچیده شدن برنامه هسته ای و موشکی ایران، یا فروپاشی نظام مستقر در ایران یا بروز جنگ داخلی در ایران یا تجزیه و نابودی سرزمینی ایران؟ بویژه این که تحلیل مناسبات ایران و آمریکا بدون در نظر گرفتن نقش آفرینی طرف سوم یعنی اسرائیل، امکان پذیر نیست.

همان گونه که اسرائیل دوشادوش آمریکا در جنگ با ایران مشارکت دارد و می تواند آتش جنگ آمریکا با ایران را شعله ورتر کند، در موضوع تسلیم نیز اسرائیل از طریق آمریکا قادر است شرایط وخیم تری را برای ایران رقم بزند.

از این رو، تصمیم گیری برای ایران به مراتب دشوارتر می شود. البته تاکنون و با گذشت قریب به ۵۰ سال، جمهوری اسلامی ایران همچنان برعدم توافق/تسلیم در برابر آمریکا اصرار ورزیده و برای این مقاومت، هزینه سنگینی از جمله اتفاقات تلخ و غمبار دو جنگ پرشدت و یک جنگ کم شدت با آمریکا و اسرائیل را پرداخت کرده است. با این حال، هنوز امید آمریکا و اسرائیل برای اجبار ایران به حرکت در مسیر توافق/تسلیم از بین نرفته است؛ به ویژه اینکه آمریکایی ها از چند ماه پیش، ابزار محاصره دریایی ایران و تلاش برای به صفر رساندن فروش نفت ایران را در پیش گرفته اند به این امید که فشارهای اقتصادی و اعتراضات اجتماعی ناشی از آن، جمهوری اسلامی را به تسلیم وادار نماید.

البته اگر این راهبرد طی هفته ها یا ماه های پیش رو به نتیجه دلخواه برای ترامپ و دولت آمریکا نیانجامد، چه بسا دوباره ماشین جنگی آمریکا و اسرائیل علیه ایران به کار افتد و فجایع بزرگ تری را رقم بزند. آنچه قابل ذکر است اینکه هر دو مسیر پیش روی ایران، تلخ و سمی است و انتخاب هر کدام از آنها، تبعات درازمدتی برای کشور و نسل های آینده در پی خواهد داشت.

با این حال، چاره ای هم نیست که یکی از دو گزینه انتخاب شود؛ یا ادامه مقاومت که جنگی خانمانسوز را بر کشور تحمیل می کند یا پذیرش شروط متجاوز که می تواند آینده سیاسی را برای کشور رقم بزند.

اینکه کدام مسیر انتخاب شود، بر عهده مسئولین ارشد کشور است تا با ارزیابی دقیق وضعیت جبهه خودی و جبهه دشمن، آن چیزی را برگزینند که منافع کلان یک ملت با تمدن همچون ایران در آن لحاظ شود و بتواند مام میهن را از یکی از دشوارترین گردنه های تاریخ چند قرن گذشته خود، به سلامت یا با کمترین هزینه، عبور دهد. تجربه اما نشان می دهد ایران می تواند با مقاومت و دیپلماسی هوشمندانه ،توطئه های دشمن را ناکام بگذارد.

امیرعلی ابوالفتح